متعلق «بما ابتدع» به «ممتنع» از سیاق عبارت

در چاپ کتاب مرحوم آسید هاشم تهرانی رضوان‌اللّه‌علیه، در صفحه‌ی هفتادم بودیم. به نظرم چاپ دیگری هم بود که بعضی از آقایان داشتند و غلط چاپی هم داشت. این چاپ، چاپ خوبی است که آقای آسیدهاشم زحمت کشیده‌اند. در سطر اول باب دوم، حدیث بیست و ششم بودیم. خطبه مبارکه‌ای که امیرالمؤمنین علیه‌السلام خوانده‌اند. حضرت امام رضا علیه‌السلام این را از جدشان نقل کرده‌اند و مرحوم شیخ صدوق هم در عیون اخبار الرضا علیه السلام و هم در ایجا، این خطبه را آورده‌اند. این خلاصه‌ی بحث ما است که به اینجا مربوط است.

جمله‌ای که بحث ما بود، این بود: حضرت فرمودند: «و ممتنع عن الادراک بما ابتدع من تصریف الذوات»؛ خدای متعال امتناع دارد از اینکه درک شود، به آنچه که آفریده است و ایجاد فرموده است از تصریف ذات‌ها. هفته‌ی قبل کلمه به کلمه‌ی اینها را بحث کردیم. ممتنع، ادراک، ابتداع، تصریف و ذوات را بحث کردیم. راجع به ترکیب جمله هم عرض کردم که کلمه‌ی «عن» متعلق به «ممتنع» است و هیچ مشکلی ندارد. متعلقش واحد است. «من» در «ابتدع من» ظاهراً «من» بیان جنس است که متعلقش مشکلی ندارد. آنچه که ذو وجهین بود و به مثل امیرالمؤمنین علیه‌السلام مجالی می‌دهد که به وسیله‌ی یک کلام چندین وجه را از باب استعمال لفظ در اکثر از یک معنا [اراده نماید]، کلمه‌ی «باء» بود. «بما ابتدع»، آیا متعلق باء «ادراک» است؟ ای خیر؛ متعلق باء «ممتنع» است؟ آیا بای استعانت است ای سببیت است؟ ای ملابست است؟ تا آنجایی که ممکن بود، هفته‌ی قبل صحبتش شد.

به‌معنای ترکیبی رسیدیم. یک وجه را بیان کردیم که شما فرمایشی داشتید. آن چیزی را که در ترکیب جمله عرض کردم و خیالم می‌رسد، ظاهر هم همین است، این است که باء را متعلق به «ممتنع» بگیریم. من که می‌گویم ظاهر، نه یعنی استعمال لفظ در اکثر از یک معنا قبول نیست. یعنی می‌خواهم فعلاً روی سیاق عبارت بگویم. نه اینکه حضرت علیه السلام دیگری را اراده نکرده‌اند. ظاهر و اظهر یعنی همین. یعنی تمام آنها محمل دارد و با دو قرینه معینه و بلکه طبق فرمایش حاج شیخ عبدالکریم می‌توانند هیچ قرینه معینه ای را نیاورند. چون تمام معانی را اراده می‌کنند، به نحو مرادی که عند فقد القرائن المعینه همه آنها ظاهر است. مرحوم آقای آشیخ محمدرضا اصفهانی – ابوالمجد، صاحب وقایه – فرمودند: آشیخ عبد الکریم در مسأله‌ی استعمال لفظ در اکثر از یک معنا از من هم جلو زدند.

علی أیّ حال، من روی سیاق عبارت عرض می‌کنم که باء به «ممتنع» می‌خورد. چرا؟؛ نحو بیاناتی که حضرت علیه السلام دارند به این صورت است که ... .

شاگرد: ...

استاد: عرض من این بود که بحث هفته‌ی قبل پیرامون «ممتنع عن الادراک بما ابتدع» بود. متعلق این باء، «ادراک» است یا «ممتنع» است؟ الآن دارم تقریر را عرض می‌کنم که متعلق باء،

«ممتنع» است. چون سیاق عباراتی که حضرت علیه السلام فرمودند، اینگونه است. فرمودند: «مستشهد»، «مبائن». عبارات بعدش هم میآید: «خارج». حضرت علیه السلام عبارتشان را دو بخشی میکنند. بخش اول، بخش دوم که متعلق به همین کلمهای است که شروع فرمودند. کلمهی «مستشهد» را ببینید؛ «مستشهد بحدوث الاشیاء علی ازلیته». «مستشهد» یک متعلقی میخواهد. خود این «مستشهد»، یک چیزی میخواهد. «مبائن لجمیع ما احدث»، «مبائن» یک چیزی میخواهد. «ما احدث فی الصفات»، «فی الصفات» درست جملهی قبل از اینجا است. «فی الصفات» را به «احدث» میزنید یا به «مبائن»؟ «مبائن لجمیع ما احدث فی الصفات»، یعنی «مبائن فی الصفات». عبارت دو لنگه دارد. «مبائن فی الصفات لجمیع ما احدث».

به همین وزان «ممتنع عن الادراک بما ابتدع». یعنی «باء» مانند «فی الصفات» متعلق به «ممتنع» میشود. البته مرحوم مجلسی هم اول همین را فرمودند. اما مرحوم آقای آسید هاشم، اصلاً آن احتمال را ذکر نکرده و فرمودهاند: «بما ابتدع» متعلق به «ادراک» است. خدای متعال امتناع دارد از اینکه ادراک شود به «بما ابتدع من تصریف الذوات»؛ نمیشود با این ادوات درک شود.

اگر روی سیاق عبارت در این احتمال بگوییم «بما ابتدع»، معادل «فی الصفات» باشد، بنابراین «بما ابتدع» متعلق به «ممتنع» باشد، معنا به این صورت میشود...؛ در سؤال ما از محضر علامهی مجلسی ماند که در مورد رابطه سه وجه فرموده بودند؛ خلاصهی بحث در آخر مباحثهی قبلی این شد که محال است خدای متعال درک شود. ممتنع است از اینکه درک شود. چرا؟؛ «بما ابتدع من تصریف الذوات»؛ چون ذوات را طوری آفریده است که در حال تغیر هستند و حالی به حالی هستند.

بازبینی #1
ایجاد شده 22 ژوئیه 2024 16:15:18 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژوئیه 2024 16:19:12 توسط ... .